ختم خطابه فدک

به همراه شرح فرازهای این خطبه

بخش دوم

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ثُمَّ الْتَفَتَتْ إِلَى أَهْلِ الْمَجْلِسِ وَ قَالَتْ أَنْتُمْ

پس فاطمه علیها السّلام نگاهی به اهل مجلس افکند و این چنین به سخنان خود ادامه داد:

عِبَادَ اللَّهِ نُصْبُ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ وَ حَمَلَةُ دِينِهِ وَ وَحْيِهِ

شما بندگان خدا، شما مخاطب امر و نهی الهی، حاملان دین و احکام، امینان خداوند بر خویش و پیام آوران او به

وَ أُمَنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَ بُلَغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَمِ،

سوی امّتها هستید. حقّی از سوی خداوند بر عهده دارید و پیمانی راکه با او بسته‌اید، پذیرفته‌اید. ما اهل بیت

و (نَحنُ) زَعِيمُ حَقٍّ لَهُ فِيكُمْ وَ عَهْدٌ قَدَّمَهُ إِلَيْكُمْ

پیشوای حق خداوند در میانشما هستیم؛ خدا ما را به عنوان عهد و پیمان خود، به شما هدیه داده است.

وَ بَقِيَّةٌ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ، و (مَعَنا) كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ

خداوند ما را به عنوان جانشین خود، در میان شما قرار داده است. کتاب خدا همراه ماست.

الْقُرْآنُ الصَّادِقُ وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ الضِّيَاءُ اللَّامِعُ

کتاب گویای خداوند و قرآن صادق می‌باشد که نور او فروزان و شعاع او درخشان است.

بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ مُنْجَلِيَةٌ ظَوَاهِرُهُ مُغْتَبِطَةٌ بِهِ

قرآن کتابی است که دلایلش روشن، لطایف و دقایقش آشکار، ظواهرش نورانی، پیروانش پر افتخارند و جهانیان

أَشْيَاعُهُ قَائِدٌ إِلَى الرِّضْوَانِ أَتْبَاعُهُ مُؤَدٍّ إِلَى النَّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ

بدیشان غبطه خورند و حسد برند. کتابی که پیرویش راهگشای روضه رحمت الهی است و شنونده‌اش رستگار در

بِهِ تُنَالُ حُجَجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ وَ عَزَائِمُهُ الْمُفَسَّرَةُ وَ مَحَارِمُهُ

دو سرا. در پرتوی آن، دلیلهای روشن الهی را می‌توان دید و نیز تفسیر احکام و

الْمُحَذَّرَةُ وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَةُ وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَةُ وَ فَضَائِلُهُ

واجبات او را دریافت ، قرآن حرامهای خداوندی را بازدارنده،

الْمَنْدُوبَةُ وَ رُخَصُهُ الْمَوْهُوبَةُ وَ شَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ فَجَعَلَ

حلالهای او را رخصت دهنده و مستحبّات را نمایانیده است و بیانگر شریعت اسلام می‌باشد.

اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً

خداوند ایمان را سبب زدودن زنگار شرك از دلهاتان قرار داد و نماز را موجبی

لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ وَ الزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَ نَمَاءً فِي الرِّزْقِ

برای دوری شما از خودپرستی و تکبّر، و زکات را پاک شدن از آلودگی های نفس و افزایش روزی

وَ الصِّيَامَ تَثْبِيتاً لِلْإِخْلَاصِ وَ الْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ وَ الْعَدْلَ

و روزه را عامل تثبیت دوستی و اخلاص و حج را وسیله تقویت دین، و عدالت

تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً لِلْفُرْقَةِ

را مایه پیوند قلوب، و پیروی ما را سبب نظم و سامان یافتن جامعه و پیشوایی ما را مانع جدایی و تفرقه

وَ الْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ وَ الصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِيجَابِ الْأَجْرِ

جهاد را وسیله عزّت اسلام ، و شکیبایی و صبر را موجبی برای جلب پاداش

وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَامَّةِ وَ بِرَّ الْوَالِدَيْنِ وِقَايَةً مِنَ

فرمان به حلال و نهی از حرام را برای مصلحت مردم، و نیکی به پدر و مادر را موجب

السَّخَطِ وَ صِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنْسَأَةً فِي الْعُمُرِ وَ مَنْمَاةً لِلْعَدَدِ

پیشگیری از خشم الهی قرار داد. صله رحم را باعث طول عمر و افزایش جمعیت

وَ الْقِصَاصَ حَقْناً لِلدِّمَاءِ وَ الْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِيضاً لِلْمَغْفِرَةِ وَ

قصاص را سبب نگه داشتن حرمت خون ها، وفای به نذر را موجب آمرزش و

تَوْفِيَةَ الْمَكَايِيلِ وَ الْمَوَازِينِ تَغْيِيراً لِلْبَخْسِ وَ النَّهْيَ عَنْ

تمام پرداختن پیمانه و وزن را مانع از کم فروشی و کاهش (نعمات) قرار داد. بر کنار بودن

شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهاً عَنِ الرِّجْسِ وَ اجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَاباً

از شراب خواری را سبب پاکی از پلیدیها و پرهیز از تهمت و نسبتهای ناروا را مانعی

عَنِ اللَّعْنَةِ وَ تَرْكَ السَّرِقَةِ إِيجَاباً لِلْعِفَّةِ وَ حَرَّمَ اللَّهُ الشِّرْكَ

در برابر لعن و نفرین الهی و منع از دزدی را موجبی برای پوییدن راه عفت ساخت و شرك

إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ

را حرام نمود تا فقط او را پروردگار خود بدانید «پس آنگونه که شایسته ی اوست، تقوا پیشه کنید و تن به مرگ

أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ- وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ

مدهید جز آنکه در طریق اسلام باشید» از خداوند در آنچه که شما را فرموده و یا از آنچه که بازداشته، فرمان برید

فَإِنَّهُ إِنَّما يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماء ثُمَّ قالَتْ أَيُّهَا

که «از میان بندگان تنها دانایان از خداوند می‌ترسند». سپس فرمود: ای

النَّاسُ اعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَأَبِي مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله أَقُولُ عَوْداً وَبَدْواً

مردم بدانید من فاطمه‌ام، و پدرم محمّد است- که صلوات و درود خداوند بر او و خاندانش باد- آنچه که در آغاز

وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطاً وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطاً- لَقَدْ

گفته‌ام، در پایان هم از آن سخن خواهم راند. در گفتارم نادرستی نگویم و در کردارم از حق فاصله نمی‌گیرم «همانا

جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ ما عَنِتُّمْ حَرِيصٌ

پیامبری از خودتان به سوی شما آمد که رنج و محنت شما او را گران آمد، سخت به شما دل بسته است و برای

عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ فَإِنْ تَعْزُوهُ وَ تَعْرِفُوهُ

مؤمنین مهربان و غمخوار است». اگر او را بشناسید خواهید دید

تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ- وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ

که او پدر من است و نه پدر زنان شما. و برادر پسر عموی من(امیرالمومنین) بوده، نه برادر مردان شما.

وَ لَنِعْمَ الْمَعْزِيُّ إِلَيْهِ صلی الله علیه و آله فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ صَادِعاً بِالنِّذَارَةِ

چه پر افتخار است این نسب- درود خداوند او و خاندانش را شامل باد. او رسالت خود را به مردم ابلاغ و آنان را از

مَائِلًا عَنْ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ ضَارِباً ثَبَجَهُمْ آخِذاً

عذاب خداوندی بر حذر داشت. از روش مشرکان روی برگرداند، بزرگی و عظمتشان را در هم کوبید و حلقومشان را

بِأَكْظَامِهِمْ دَاعِياً إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ

به سختی فشرد و راه نفسشان را بست. او مردم را با دلیل و برهان و اندرز نیکو و سودمند به راه خداوند رهنمون

الْحَسَنَةِ يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ وَ يَنْكُتُ الْهَامَ حَتَّى انْهَزَمَ الْجَمْعُ

بود.شوکت بت و بت پرستان را در هم شکست تا جمع آنها از هم گسیخت

وَ وَلَّوُا الدُّبُرَ حَتَّى تَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ وَ أَسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ

و ظلمت شب تار زدوده شد و صبح ایمان دمید و برقع و نقاب از چهره حقیقت

مَحْضِهِ وَ نَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ وَ خَرِسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ

به یك سو فکند و پده برداشت. زبان پیشوای دین به گفتار باز شد و عربده جوییهای شیاطین به خاموشی گرایید.

وَ طَاحَ وَشِيظُ النِّفَاقِ وَ انْحَلَّتْ عُقَدُ الْكُفْرِ وَ

افسر و تاج نفاق بر زمین فرو افتاد، گره‌های کفر و اختلاف گشوده شد و شما به همراه گروهی(اهل بیت پیامبر) از

الشِّقَاقِ وَ فُهْتُمْ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي نَفَرٍ

سپید رویان پاك نهادگویای کلمه اخلاص (لااله الّاالله) شدید، همان اهل بیتی که چهره هایشان روشن و درخشان

مِنَ الْبِيضِ الْخِمَاصِ وَ كُنْتُمْ عَلى شَفا حُفْرَةٍ

است و شکم خود را از دنیا خالی نگه می دارند.و حال آنکه بر لب پرتگاه گودال جهنّم بودید. به خاطر ضعف و

مِنَ النَّارِ مَذْقَةَ الشَّارِبِ وَ نَهْزَةَ الطَّامِعِ وَ

ناتوانی شما، هرکس از راه می‌رسید، می‌توانست شما را نابود کند، همچون جرعه‌ای برای تشنه و لقمه‌ای برای

قَبْسَةَ الْعَجْلَانِ وَ مَوْطِئَ الْأَقْدَامِ تَشْرَبُونَ

خورنده و شکار هر درنده و لگدکوب هر رونده و پایمال هر رهگذری می‌شدید. از آب گندیده و ناگوار می‌نوشیدید و از

الطَّرْقَ وَ تَقْتَاتُونَ الْقِدَّ أَذِلَّةً خَاسِئِينَ

پوست جانور و مردار استفاده می‌کردید. پست و ناچیز و در نهایت ذلّت بودید و همه شما را رانده بودند.

تَخافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ

همیشه می ترسیدید که اطرافیانتان دست تجاوز به شما دراز کنند و شما را بربایند.

فَأَنْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبارَكَ وَ تَعالَى بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله

در چنین حالی خداوند تبارك و تعالی محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم پیام‌آور خود را به سوی شما گسیل

بَعْدَ اللَّتَيَّا وَ الَّتِي وَ بَعْدَ أَنْ مُنِيَ

داشت.او پس از آن همه رنجها که دید و سختی‌ها که کشید، شما را از ذلت و خواری رهایی بخشید.

بِبُهَمِ الرِّجالِ وَ ذُؤْبانِ الْعَرَبِ

رزم آوران ماجراجو، سرکشان درّنده‌خو، جهودان دین به دنیا فروش و ترسایان دور از حق از هر سو به او تاختند و با

وَ مَرَدَةِ أَهْلِ الْكِتابِ كُلَّما أَوْقَدُوا

او به مخالفت برخاستند، و آن اهل کتابی بودند که طغیان و سرکشی می کردند.

ناراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ

«آنان کسانی بودند که هرگاه آتش جنگ را برمی افروختند، خدا آن را خاموش می کرد»

أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ أَوْ فَغَرَتْ فَاغِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَذَفَ

و هرگاه شاخ شیطان نمایان می‌گشت و یا مشرکی دهان به یاوه‌گویی می‌گشود، او برادرش علی علیه السّلام را در

أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا فَلَا يَنْكَفِئُ حَتَّى يَطَأَ صِمَاخَهَا بِأَخْمَصِهِ وَ

کام آن می‌افکند. علی علیه السّلام هم در مقابل تا آن زمان که بر مغز و سر مخالفان نمی‌کوبید و بینی آنها را به خاك

يُخْمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ مَكْدُوداً فِي ذَاتِ اللَّهِ مُجْتَهِداً فِي

مذلّت نمی‌مالید، ترك امر نمی‌نمود و از کارزار برنمی گشت. او در راه خداوند کوشا، به رسول خدا نزدیك، او

أَمْرِ اللَّهِ قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ سَيِّدَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مُشَمِّراً

سید و سرور اولیای خدا بود او در راه خدا بلند همت و برای مرد خیرخواه بود، او برای خدا بسیار تلاش

نَاصِحاً مُجِدّاً كَادِحاً لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ

می کرد و در راه او کوشش می نمود، هیچ کس نمی توانست با سرزنش خود او را از راه خددا منحرف کند.

وَ أَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَةٍ مِنَ الْعَيْشِ وَادِعُونَ فَاكِهُونَ آمِنُونَ

این در حالی بود که شما در آن هنگام در آسایش می‌زیستید و از امنیت برخوردار بودید.

تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرَ وَ تَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ وَ تَنْكِصُونَ عِنْدَ

منتظر تغییر جهت سختی های روزگار علیه ما و گوش به زنگ اخبار بودید. به هنگام کارزار عقب گرد می‌کردید و در

النِّزَالِ وَ تَفِرُّونَ مِنَ الْقِتَالِ

میدان نبرد فرار را بر قرار ترجیح می‌دادید.